بسم الله الرحمن الرحیم

**اشاره:**

بحث در این بود که آیا «امر به معرف و نهی از منکر» به عنوان یک تکلیف ویژه، فراتر از تکلیف عام مطرح است یا خیر؟

در ادله بحث، آیه وقایه (تحریم/6) و آیه ائتمار (طلاق/6) بررسی شد.

**آیه سوم: آیه انذار**

سومین آیه‌ی که در بحث از امر و نهی خانوادگی مورد تمسک قرار می‌گیرد، آیه 214 سوره شعراء است:

«**وَ أَنْذِرْ عَشيرَتَكَ الْأَقْرَبينَ وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَري‏ءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ**».[[1]](#footnote-1)

سیاق آیه فرمان به رسول خدا (ص) بوده و خطاب خاص است.

**شأن نزول آیه انذار:**

بر اساس آنچه در تواريخ اسلامى آمده، پيامبر (ص) در سال سوم بعثت مامور ابلاغ دعوت علنی شد؛ زيرا تا آن زمان، دعوت مخفيانه انجام مى‌گرفت و تعداد كمى اسلام را پذيرا شده بودند، امام هنگامى كه آيه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل گرديد، پيغمبر (ص) مامور شد دعوت خود را آشكار سازد و نخست از خويشاوندان نزدیک خود شروع كند.[[2]](#footnote-2)

اما كيفيت اين ابلاغ و انذار به طور اجمال چنين بوده كه پيامبر اکرم (ص) بستگان نزديك خویش را که حدود چهل نفر بودند، به خانه حضرت ابوطالب(ع) دعوت كرد. رسول خدا (ص) پس از صرف غذا فرمود: اى فرزندان عبد المطلب! به خدا سوگند، من هيچ جوانى را در عرب نمى‏شناسم كه براى قومش چيزى بهتر از آنچه من آورده‏ام آورده باشد، من خير دنيا و آخرت را براى شما آورده‏ام و خداوند به من دستور داده است كه شما را دعوت به اين آئين كنم، كداميك از شما مرا در اين كار يارى خواهيد كرد، تا برادر من و وصى و جانشين من باشيد؟

جمعيت همگى سر باز زدند جز على (ع) كه از همه كوچكتر بود برخاست و عرض كرد: اى پيامبر خدا! من در اين راه يار و ياور توام، پيامبر (ص) دست بر گردن على (ع) نهاد و فرمود: «**ان هذا اخى و وصيى و خليفتى فيكم فاسمعوا له و اطيعوه**» جمعيت از جا برخاستند در حالى كه خنده تمسخرآميزى بر لب داشتند و به ابوطالب مى‏گفتند: به تو دستور مى‏دهد كه گوش به فرمان پسرت كنى و از وى‏ اطاعت نمايى! اين حديث را بسيارى از دانشمندان اهل سنت، همچون «ابن ابى جرير» و «ابن ابى حاتم» و «ابن مردويه» و «ابو نعيم» و «بيهقى» و «ثعلبى» و «طبرى» نقل كرده‏اند و «ابن اثير» در جلد دوم كتاب «الكامل» اين سخن را آورده است، همچنين «ابو‌الفداء» در جلد اول تاريخش و ...[[3]](#footnote-3)

**شأن نزول دوم آیه:**

روي «**أنه لما نزلت هذه الآية صعد الصفا فنادى الأقرب فالأقرب و قال: يا بني عبد المطلب، يا بني هاشم، يا بني عبد مناف، يا عباس عم محمد، يا صفية عمة محمد إني لا أملك لكم من اللَّه شيئا**».[[4]](#footnote-4)

**چیستی و انواع شأن نزول**

در مورد شأن نزول‌ها این نکته حایز اهمیت است که:

گاهی حادثه‌ای اتفاق می‌افتاد و سپس آیه نازل می‌شد؛ در این صورت حادثه، سبب و علت نزول آیه است.

گاهی آیه سازنده شأن نزول است و حادثه معلول است؛ ما نحن فیه از قبیل همین دومی است. پس شأن نزول اعم است از اینکه آیه متقدم بر حادثه باشد یا متاخر از آن باشد. به تعبیر دیگر گاهی آیه شریفه معلول حادثه است و گاهی علت آن است. بر هر دو قسم شأن نزول صدق می‌کند.

با دقت در آیات شریفه قرآن کریم، انسان متوجه می‌شود که ماموریت رسول الله (ص) سیر تدریجی داشته است؛ از «ا**قرأ باسم ربک**» شروع شد، با عبور از «**انذر عشیرتک الاقربین**» و در نهایت با تعبیر «**نذیراً للعالمین**» جهانی شد.

**بررسی آیه انذار**

1. **قلمرو** **مفهوم شناسی**

عشيره در اصل از ماده «عشرة» (عدد ده) گرفته شده است و از آنجا كه عدد ده در حد خود يك عدد كامل محسوب مى‏شود، به جمعيت بستگان نزديك كه انسان بوسيله آن‌ها جمع كاملى را تشكيل مى‏دهد، عشيرة گفته‏اند. به همین مناسبت مفهوم عشره منتقل شده است به عشیره و معنای جدید در آن تزریق شده است.

ماده عشیر، معاشر و معاشرت نيز از همین قبیل است و ممكن است از همين معنى گرفته شده باشد، چرا كه انسانها را به صورت مجموعه كاملى در مى‏آورد. عشیره انسان کسانی هستند که موجب کمال انسان می‌شوند.

از معنای دوم به مفهوم سوم منتقل شده است. افراد نزدیک انسان هویت قبیلگی و خانوادگی پیدا می‌کند. با اینکه در زمان ما هویت قبیلگی همرنگ شده به دلیل روند توسعه جامعه بشری و به تدریج دارند این مفهوم را از زندگی ها حذف می‌کنند، ولی در برخی جوامع سنتی هنوز ریشه‌های قوی دارد.

آنچه در روان شناسی به «خانواده بزرگ و گسترده» گفته می‌شود، زیر مجموعه عشیره قرار می‌گیرد و بلکه شامل مجموعه‌ای شاخ و برگ‌دار از خویشان انسان می‌گردد؛ مانند عموها، عمه‌ها، دایی‌ها، خاله‌، فرزندان هریک از آنان و ..

در آیه شریفه «[**يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثي‏ وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ خَبيرٌ**](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=49&AID=13)»[[5]](#footnote-5) مردم به شعبه‌ها و قبیله‌ها تقسیم شده است.

عشیره مجموعه‌ی خانوادگی وسیع و گسترده و پخش شده در مناطق مختلف است. این مفهوم از عشیره از آنچه در ذیل آیه ائتمار و آیه وقایه در مفهوم اهل بیان شد، اوسع است. آیه ائتمار شامل خانواده کوچک می‌شد و اهل در آیه وقایه دایره وسیعتری داشت و عشیره از همه اوسع است و شامل مجموعه‌ای از خویشان و نزدیکان انسان که با هم همبستگی داشته باشند، می‌شود.

**پرسش:**

در دنیا جدید که این پیوندهای خویشی محفوظ نماینده است، مفهوم عشیره چه می‌شود؟

**پاسخ استاد:**

اینکه دایره مفهوم عشیره محدود می‌شود یا نه؟ جای بحث دارد. بر اساس اینکه در محله‌ها شوراهای محلی و ارتباط همسایگی به وجود آمده و جای سیستم قومی و عشیره‌ای را گرفته است، آیا می‌توان مفهوم عشیره اطلاق کرد یا خیر؟ معلوم نیست. باید روی این موضوع فکر کرد.

**2. احترازی یا توضیحی بودن قید «الاقربین»**

در اینکه آیا قید «الاقربین» احترازی است یا توضیحی، دو احتمال وجود دارد:

1-2. قید توضیحی است چون عشیره انسان، اقرباء وی هستند. سرّش این است که قرابت بین شما است.

2-2. احتمال دوم این است که قید احترازی است؛ عشیره مفهوم وسیعتر از اقربین دارد. بستگانی که از نظر جغرافیایی دور هستند، عشیره انسان هستند، اما بر اساس آیه انذار، فقط کسانی که در یک شهر زندگی می‌کنند و ارتباطات نزدیک دارند، باید مورد انذار قرار بگیرند. عشیره اقرب یعنی کسانی که در دسترس هستند. قرب نسبی در مفهوم عشیره وجود دارد، اما قید «الاقرب» قرب مکانی و ارتباطی را ملاک قرار می‌دهد؛ مراد کسانی است که روابط بیشتری با انسان دارند.

**3. مفهوم شناسی انذار**

حکم متعلق به عشیره «انذار» است. مفهوم انذار در ذیل آیه «**لینذروا قومهم**» بیان شد. انذار، إخبار مع التخويف يا إخبار بالتخويف است. اين‌که، چيزي را به کسي بگويد و در اين گفتن، نوعي ترساندن و هشدار دهندگي باشد. انذار شامل انواع مختلف روش‌هایی که فرد مورد تحذیر قرار می‌گیرد، می‌شود از قبیل: موعظه، امر و نهی، تبیین مساله و ...

**4. شمول انذار**

آیه شریفه انذار شامل امر به معروف و نهی از منکر می‌شود؛ گرچه دایره انذار اوسع از امر و نهی است. شأن نزول آن عرضه اصل اسلام و دعوت به اسلام است اما مورد و مصداق مخصص نیست. انذار به عنوان یک قانون عام مورد تمسک است. انذار و امر به معروف و نهی از منکر خویشان نزدیک مشمول آیه است، لذا حضرت (ص) خطاهای قریش را تذکر می‌داد.

**5. شمول حکمی آیه انذار**

جا دارد ربط آیه انذار به بحث «امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی» بررسی شود. آیه خطاب به رسول خدا (ص) است؛ خطاب خاص است؛ آیا می‌شود آیه را تعمیم داد؟ در پاسخ چند احتمال مطرح است:

1-5. خطاب آیه انذار خاص است و قابل تعمیم نیست.

2-5. خطاب خاص است اما قابل تعمیم به دیگران است به این بیان که:

اولاً: اصل اولی آن است که پیامبر اکرم (ص) با سایر مکلفان در تکالیف مشترک هستند مگر در موارد خاص که از اختصاصات حضرت باشد؛ چنانچه خطابات قرآن نسبت به مؤمنان شامل کافران نیز می‌شود. اصل، اشتراک التکالیف است الا ما خرج بالدلیل همانند نماز شب که بر رسول خدا (ص) واجب است اما بر دیگران واجب نیست.

ثانیاً: بر اساس آیه شریفه«**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرً**»[[6]](#footnote-6) که یک قاعده اصولی است، باید حداقل‌های وظایف انبیاء (ع) را مردم انجام دهند. حضرت مامور به انذار بود، لذا پیروان وی در حد توان خود موظف به انذار هستند. از حیث وجوب و استحباب هم یکی است الا ما خرج بالدلیل. روایات و سنت حضرت را هم با همین بیان تعمیم می‌دهیم. پس آیه «اسوه حسنه» بیانگر یک قاعده اصولی است لذا تکالیف حضرت شامل حال دیگران هم می‌شود. همه باید در همه امور به وی تأسی نمایند.

**6. آیا انذار حکم جدید است یا همان امر و نهی است؟**

اصل اولی آن است که انذار و امر به معروف و نهی از منکر حکم جدید است نه اینکه مصداق امر به معروف و نهی از منکر باشد. این آیه دلیل می‌شود به اینکه انذار، هدایت، تربیت و از جمله امر به معروف و نهی از منکر در مقابل اقرباء و خویشان لازم است.

این شد دلیل سوم، تا برسیم به سایر ادله.

1. . سوره شعراء، آیه 214 تا 216 ، ترجمه مکارم شیرازی: و خويشاوندان نزديكت را انذار كن! (214) و بال و پر خود را براى مؤمنانى كه از تو پيروى مى‏كنند بگستر! (215) اگر تو را نافرمانى كنند بگو: «من از آنچه شما انجام مى‏دهيد بيزارم!» (216)

ترجمه فولادوند: و خويشانِ نزديكت را هشدار ده. (214) و براى آن مؤمنانى كه تو را پيروى كرده‏اند، بال خود را فرو گستر. (215) و اگر تو را نافرمانى كردند، بگو: «من از آنچه مى‏كنيد بيزارم.» (216) [↑](#footnote-ref-1)
2. . سيره ابن هشام جلد 1 صفحه 280 [↑](#footnote-ref-2)
3. . برای توضیح بیشتر رجوع شود به تفسير نمونه، ج‏15، ص: 374؛ «المراجعات» صفحه 130 به بعد و كتاب «احقاق الحق» جلد 4 صفحه 62 به بعد» [↑](#footnote-ref-3)
4. . فخر رازی، مفاتيح الغيب، ج‏24، ص: 536 [↑](#footnote-ref-4)
5. . حجرات/ 13 [↑](#footnote-ref-5)
6. . (احزاب/21) [↑](#footnote-ref-6)